

متن سخنرانی جناب آقای ولی... سیف مدیرعامل بانک صادرات ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

ضمن تبریک ایام میلاد پربرکت حضرت ختمی مرتبت و حضرت امام جعفر صادق (ع)، تبریک هفته وحدت و هفته بانکداری بدون ربا و آغاز یازدهمین سال اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، مطالبی را که عرض می‌کنم، مطالب پراکنده‌ای است که مبتلا به سیستم بانکی است. سیستم بانکداری بدون ربا و بانکداری جاری ما در صورت حل و بررسی تأمین این نیازها و این تغییرات طبیعتاً می‌تواند حالت سهلتر و روانتری به خود بگیرد. آنچه که مسلم است بزرگترین برکتی که تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا به تبع خودش همراه داشته حذف ربا از سیستم اقتصادی کشور بوده است، در کنار این موضوع تفاوت عمده‌ای که فکر می‌کنم در این مورد وجود دارد این است که در مقایسه بانکداری سنتی با بانکداری ربوی، این تسهیلات به چه مصرفی می‌رسد؟

در بانکداری بدون ربا، این پروژه و فعالیت مثبت اقتصادی است که از بانک تسهیلات می‌گیرد. گرچه ما در زمینه نظارت به دلیل حجم گسترده تسهیلاتی که درون شبکه بانکی کشور پرداخت می‌شود با مشکلاتی روبرو هستیم و هنوز این مقوله به

صورت کامل حل نشده است. منتهی امکان نظارتی که در حال حاضر وجود دارد در مقایسه با نظام گذشته امکانات جدیدی است که به بانکها داده و در اختیار مسئولان بانکها گذاشته شده است تا آنها بتوانند نظارت دقیقتری بر اعطای تسهیلات در سیستم بانکی داشته باشند. به طور مسلم مراحل طی شده این اعتبار طی شده اعم از تدوین، تصویب و اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، انصافاً کار بزرگ و عظیمی بوده که تحول بنیادی در ارتباطات اقتصادی کشور به وجود آورده است.

سیستم بانکی در هر کشور و جامعه‌ای خصوصیات خاص خود را دارد و به طور روزمره مورد استفاده کلیه آحاد جامعه است. لذا طبیعی است که در معرض اظهارنظرهای مثبت و منفی، نقد و انتقاد و اینگونه مسائل قرار بگیرد. لذا خوب است مروری داشته باشیم و ببینیم این انتقادات چه زمینه‌هایی را دربر می‌گیرد و شاید با تحقیقی بتوان به نقاط ضعف درون سازمان خودمان پی ببریم و در صدد رفع و رجوع آن باشیم. یکی از اساسی‌ترین مشکلاتی که بعضی اوقات مطرح می‌شود بحث شبهاتی است که در رابطه با اجرای عقود اسلامی در بانکها مطرح می‌گردد. همانطور که حضرت آیت‌الله رضوانی اشاره کردند و در مصاحبه‌ها و اظهارنظرهای صاحب‌نظران و فقهای عظام شاهد بودیم، معمولاً در مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا و آئین‌نامه‌های اجرایی آن هیچگونه شبهه‌ای وجود ندارد و منطبق با موازین فقهی است. بنابراین آن چیزی که می‌ماند روش اجراء و عملیات اجرائی آن در ارتباط با شعب بانکها و مراجعه مشتریان است. هر معامله‌ای که می‌خواهد انجام شود دو طرف دارد و معاملات سیستم بانکی عموماً یک طرفش شعبه بانک و کارمند آن و طرف مقابلش در حقیقت مشتری است که به بانک مراجعه می‌کند. برای این که این معامله بتواند منطبق بر اصول و موازین اصلی خودش باشد، طبیعتاً نیاز به قصد و نیت دو طرف است. اگر هر دو طرف این معامله مصمم به اجرای دقیق آن عقد باشند، طبیعتاً آن اقدام می‌تواند به صورت اصولی و درست خود انجام شود.

عمده‌ترین کاری که ما به عنوان مسئول سیستم بانکی می‌توانیم از عهده‌اش برآیم مصمم کردن، آموزش و آگاهسازی کارمندان شعب برای انجام دقیق نظام بانکداری

اسلامی در چارچوب آئین‌نامه‌های اجرایی آن و اشراف و وقوف کامل بر چگونگی اجرای آن است. اگر ما در این ارتباط بتوانیم به موفقیت کامل دست پیدا کنیم بخش عمده‌ای از مطلب حل شده است. طرف دیگر معامله، مشتریان بانک هستند که به شعب بانک مراجعه می‌کنند. در واقع برای این که بانکداری با آن حیطه‌ای که در جامعه دارد و همه آحاد جامعه با آن مرتبط هستند به صورت کامل اجرا شود لازم است همه مردم نیز آشنایی کاملی نسبت به این مقوله داشته باشند. به نظر می‌رسد که بیشترین و مؤثرترین نقش را در این رابطه وسایل ارتباط جمعی، روزنامه‌ها و سایر امکانات موجود از قبیل برگزاری سمینارها ایفا می‌کنند. مطلب دیگر آنکه بانکداری بدون ربا یک پدیده جدید است که به برکت انقلاب اسلامی در جامعه ما مطرح و به مرحله اجرا درآمده است و بنا به نظر صریح افراد صاحب‌نظر و متخصص توفیقات زیادی هم کسب کرده است. آنچه که مسلم است در جزئیات و آیین‌نامه‌های اجرایی احتمالاً اشکالاتی وجود دارد که در مراحل اجرایی از سرعت عمل می‌کاهد.

بیاناتی که آقای میراصلانی ایراد فرمودند بیشتر در این ارتباط است که ما به هیچ وجه این باور را نداریم که آیین‌نامه‌های اجرایی موجود کامل هستند. در مدت ده سال که از تجربه اجرایی این کار می‌گذرد و بر اساس بررسیهایی که به وسیله بانکها و مراکز سیاست‌گذاری برای رفع این اشکالات - که عمدتاً توسط مشتریان منعکس شده - انجام گرفته است، دستورالعملها و آیین‌نامه‌های اجرایی تغییر یافته و همچنین دستورالعملهایی که کندی به همراه داشته است اصلاح شده و در نتیجه توانسته است اجرای بانکداری بدون ربا را سهلتر و روانتر کند. طبیعتاً در نظام بانکی این فعالیت ادامه خواهد داشت. ما در هیچ مقطعی نمی‌توانیم ادعا کنیم که به وضعیت کامل و جامعی رسیده‌ایم. پویایی سیستم، حکم می‌کند که همواره در فکر تصحیح و تکمیل آن باشیم، همانطوری که در گذشته نیز روش، متداول بوده است.

پیشنهاد آخر این که یک کمیته فعال مرکب از عوامل اجرایی و نیروهای مؤثر در ارتباط با پژوهشهای روزمره تشکیل شود و صاحب‌نظران و متخصصین به طور مستمر روی این مطلب کار کنند تا مشکلاتی که توسط بانکها در مراحل اجرایی مطرح و به بانک

مرکزی منعکس می‌شود، در این کمیته مورد بررسی قرار بگیرد تا سرعت عمل داشته باشیم و سرعت عمل بیشتری نیز در جهت رفع این اشکالات و بهینه کردن هرچه بیشتر دستورالعملها و روانتر و مؤثرتر کردن آنها در تأمین نیازهای متقاضیان ایجاد کنیم.

بحث دیگری که در این ارتباط به نظر می‌رسد عدم هماهنگی بعضی از مقررات و استانداردها با مقوله بانکداری بدون رباست. دو مثال برای این قضیه دارم که پیشنهاد می‌کنم مسئولان امر در این ارتباط حرکت سریعتری را انجام بدهند. یکی از این مقوله‌ها به استانداردهای حسابداری برمی‌گردد، مشتریان بانک به بانک مراجعه می‌کنند و تحت سرفصل عقود اسلامی تسهیلاتی را می‌گیرند. مثلاً عقد مشارکت مدنی می‌بندند، بانک با آن مشتری شریک می‌شود و منابعی را تحت عنوان سهم‌الشرکه در اختیارش می‌گذارد، که در دفاتر بانک نیز تحت عنوان سهم‌الشرکه بانک ثبت می‌شود. در صورتی که در دفاتر مشتری بانک به این صورت نیست، سرفصل بانک از وامها بستانکار و صندوق هم بدهکار می‌شود و نهایتاً هر هزینه‌ای که شرکت می‌پردازد در حقیقت هزینه نیست و سهم سود شریک مشارکت مدنی است که پرداخت و تحت عنوان هزینه‌های مالی در دفاتر مشتری ثبت می‌شود و این دقیقاً خلاف واقعیت است.

ما وقتی به عنوان بانک، پروژه‌ای را که در آینده می‌خواهد به مرحله بهره‌برداری برسد، تأمین مالی کردیم در آن پروژه تحت سرفصل مشارکت مدنی شریک مدنی هستیم و باید در دفاتر آن شرکت هم بر اساس این واقعیت، استانداردها و دستورالعملهای لازم برای ثبت حسابها به صورت درست آن به وجود بیاید. اگر سرفصلهای موجود در دفاتر شرکتهایی را که مشتری بانکها هستند با حسابهایی که در بانکها برای اعطای تسهیلات نگهداری می‌شوند مقایسه کنیم کاملاً متوجه مغایرت آن با یکدیگر می‌شویم. لذا برعهده مجامع صاحب‌نظر از جمله انجمن حسابداران خبره و سازمان حسابرسی است که در این ارتباط فکر و بررسی کنند تا استانداردهایی تدوین و در شرکتهایی که مشتریان سیستم بانکی هستند رعایت شود و به این ترتیب تطبیق دفاتر بانک و مشتری دچار مشکل نشود. مثلاً در عقد مضاربه کالایی که مشتری بانک از محل منابع بانک خریداری می‌کند، کالایی است متعلق به بانک، اما در دفاتر مشتری چگونه ثبت می‌شود؟

طبیعتاً به صورت وامی از بانک ثبت می‌شود. کالاها را در موجودی کالای متعلق به مشتری ثبت می‌کنند و هیچ ارتباطی هم به بانک ندارد. چه بسا مضاربه‌ای را از یک بانک می‌گیرند و یک مضاربه هم با بانک دیگر منعقد می‌کنند و کالاهای همه اینها درون انباری است که کالاهای خریداری شده از محل منابع مشتری نیز در آن قرار دارد. همه اینها با هم مخلوط می‌شود و نهایتاً هیچ انعکاسی هم از سود خاص هر کدام از این معاملات مضاربه‌ای وجود ندارد. این در نهایت ایجاد اشکال می‌کند.

یکی دیگر از بحثهای مطرح در این ارتباط، مقررات اجرایی مالیاتی است. در دفاتر شرکتها، سود بانک را - که تحت سرفصل سود مشارکت مدنی یا مضاربه پرداخت می‌شود - تحت چه عنوانی ثبت می‌کنیم؟ آیا جزو هزینه‌های قابل قبول شرکت باید باشد یا به عنوان سهم سود ثبت شود و بعد در تشخیص درآمد مشمول مالیات و مالیات متعلق به آن باید مالیاتی مدنظر قرار بگیرد یا نه؟ در این ارتباط نیز هنوز هیچگونه تغییری ملاحظه نمی‌کنیم و جا دارد که این موضوع نیز بررسی شود، تا هرچه زودتر نظام مالیاتی و قانون عملیات بانکی بدون ربا در این موارد هماهنگ گردد.

مسئله بعدی مقوله‌های مربوط به تجهیز منابع در سیستم بانکی است. پیشنهاداتی است که شاید بتواند در ایجاد جاذبه بیشتر در بانکها برای جذب منابع بیشتر تحت سرفصلهای سپرده‌ای مؤثر واقع شود.

در این ارتباط دو بحث وجود دارد که یک بحث آن به ایجاد امکان رقابت بین بانکها برای جذب هرچه بیشتر منابع از طریق تنوع سرفصلهای سپرده برمی‌گردد، در شرایط حاضر با توجه به وضعیت اقتصادی کشور مصلحت نیست که بانکها در ارتباط با پرداخت هر میزان سهم سود که به سپرده‌گذاران به صورت علی‌الحساب می‌دهند، آزاد باشند. این درست است، اما بانکها با رعایت این مطلب می‌توانند سرفصلهای متنوعی را تحت عناوین و سپرده‌های مختلف داشته باشند و متناسب با استقبالی که مردم می‌کنند و ابتکار و خلاقیتی که درون بانک به وجود می‌آید در جهت جذب منابع بیشتر عمل بکنند.

در حال حاضر تعیین سود سپرده‌ها به صورت بسیار خشک و بر مبنای استاندارد

تعیین شده از طرف بانک مرکزی عمل می‌شود و بانکها طبیعتاً هیچگونه انعطافی در ارتباط با خودشان نمی‌توانند داشته باشند. شاید این تنوع بتواند زمینه‌ای برای فعالتر شدن رقابت دقیقتر و قویتر بانکها در زمینه جذب منابع به وجود بیاورد.

مطلب دوم، راجع به تناسب نرخهایی است که برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده است. از بعد اقتصادی می‌پذیریم که بهترین نوع سپرده در بانک آن سپرده‌ای است که بلندمدت‌تر باشد. منتهی جذب این سپرده توسط بانک، با این خصوصیت مثبتی که دارد مستلزم زیان است. یعنی اگر قیمت تمام تجهیز این منبع را با درآمدی که می‌تواند داشته باشد مقایسه کنیم می‌بینیم که زیان به وجود می‌آورد. طبق محاسبه‌ای که انجام گرفته اگر مقایسه‌ای بین میزان سپرده قانونی متعلق به هر یک از این سرفصلهای سپرده‌ای و آن جایزه‌ای که بانک مرکزی به سپرده‌های قانونی اختصاص می‌دهد داشته باشیم نهایتاً می‌بینیم که مصلحت نیست که یک بانک برای جذب سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت ۵ ساله تلاش و تبلیغ کند. بنابراین با منطق سود و زیانی ما نباید این کار را بکنیم. سال گذشته این را مطرح و تقاضا کردم و بر اساس آن طرح و پیگیری‌هایی که انجام دادیم تغییراتی در این مطلب به وجود آمد. منتهی هنوز این مشکل پابرجاست.

ما می‌توانیم با استفاده از دو پارامتر و اثرگذاری بر روی آنها این وضعیت را اصلاح کنیم، یکی از این موارد مربوط می‌شود به درصد سپرده قانونی مربوط به هر یک از این سرفصلهای سپرده‌ای و پارامتر دیگر نیز جایزه‌ای است که به سپرده‌های قانونی تحت سرفصلهای مختلف توسط بانک مرکزی پرداخت می‌شود.

نوع اول را در سال گذشته اعمال کردند. یعنی تغییراتی در میزان سپرده‌های قانونی ایجاد و با مصوبات شورای پول و اعتبار قسمتی از مطلب حل شد. منتهی هنوز مشکل وجود دارد.

پارامتر دومی که می‌تواند مؤثر واقع شود و این وضعیت را اصلاح کند، جایزه سپرده قانونی است. در حال حاضر جایزه سپرده قانونی بدون توجه به این که این سپرده قانونی متعلق به کدام سرفصل سپرده بانک است یک نرخ مشخص و ثابت برای کل سرفصل‌ها است. بر این اساس ضرورت دارد جایزه سپرده قانونی مربوط به قرض الحسنه جاری را که

شاید از نظر تحلیل اقتصادی نوع مناسبی از سپرده هم نیست و از نظر بانک ارزانه‌ترین منبع است - در بانک مرکزی کم کنیم و در مقابل جایزه سپرده قانونی مربوط به سپرده سرمایه گذاری بلندمدت ۵ ساله را افزایش بدهیم. با این جابجایی ما می‌توانیم در آن جهت تأثیر بگذاریم و مشکل را به صورت کلی حل کنیم. در بانکها و شعب آنها یک مدیر بانک یا یک رئیس شعبه باید به دنبال سود و زیان بانک باشد و باید به این انگیزه توجه کنیم تا در بانک تحرک و تحول بیشتری در ارتباط با جذب منابع به وجود بیاید. یکی دیگر از مشکلات سیستم بانکی در این ایام و سالها تسهیلات تکلیفی است. تسهیلات تکلیفی تمام مانورهای مدیریت بانکها را در ارتباط با اعمال ضوابط و موازین و معیارها مخدوش می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌دهد. آن استقلالی را که بانک در ارتباط با یک مشتری معمولی خود دارد که پس از بررسی طرح و توجه به جوانب گوناگون اقتصادی، چگونگی بازدهی سرمایه و عوامل مختلف اقدام به سرمایه گذاری و اعطای تسهیلات می‌کند در مورد تسهیلات تکلیفی عملی نیست. اما از طرفی بنا به ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی کشور، بانکها نمی‌توانند در مقابل این نیاز اجتماع بی تفاوت باشند. برای حل این مشکل می‌توان برخورد مناسبتری کرد تا هم این پروژه‌ها تأمین مالی شوند و هم بانکها بتوانند ضوابطی را که دارند زیر پای نگذارند و رعایت کنند. شاید یکی از این راهها این باشد که اولاً نحوه تقسیم آن تسهیلات تکلیفی را بین بانکهای مختلف، متناسب کنند. این نباشد که یک بانک به طور خیلی حجیم، درگیر این تسهیلات باشد و در مقابل، به بانک دیگر سهم بسیار ناچیزی از آن تسهیلات ابلاغ شده باشد. باید به بانکها امکان رقابت داد. اگر به یک بانک تکلیفهای سنگین ابلاغ شد طبیعتاً محدود می‌شود و در صحنه رقابت با سایر بانکها دچار مشکل می‌گردد. این بحث اساسی است، به نظر من کار خیلی پیچیده‌ای هم نیست و می‌تواند درون بانک مرکزی بررسی شود که حجم تسهیلات تکلیفی کل سیستم ما چقدر است و ببیند این چه درصدی از منابع کل بانکها را تشکیل می‌دهد و متناسب با منابع، بین بانکها تقسیم شود، این معضل و مشکلی است که در حال حاضر وجود دارد و بعضی از بانکها به طور روزمره درگیر این مسئله هستند که واقعاً دست و پاگیر است و در مقابل، بعضی از بانکها آسوده خاطر و بر اساس سود و

زیان و توجیه اقتصادی عمل می‌کنند. در نتیجه این بانکها نمی‌توانند با یکدیگر مقایسه بشوند.

ما باید زمینه این مقایسه را به طور اصولی ایجاد کنیم و توصیه من این است که در این ارتباط همت بیشتری شود، اگرچه به دلیل پیگیریهای مستمر شاهد بودم که در جهت تعدیل این نسبت، کار شده است منتهی به صورت کلی، خیلی مانده که بتواند حل شود. مطلب دیگری که در این ارتباط مطرح است حمایتهای غیراصولی توسط مسئولان بخشهای مختلف اقتصادی از متقاضیان سیستم بانکی است. این حمایتها الزاماً در جهت مثبت عمل نمی‌کنند و در خیلی از زمینه‌ها تأثیر بسیار منفی دارند و معلوم نیست که این تقاضاهایی که مطرح می‌شود حتماً به مصلحت کشور باشد تا بانک جواب مثبت به آنها بدهد. در مقابل خیل عظیمی از تقاضاها به سیستم بانکی هستند که جواب مثبت می‌گیرند و مورد مثال این مطلب، تمامی پروژه‌هایی است که هر روز شاهد افتتاح هستیم و گزارش آنها را در رسانه‌های همگانی مشاهده می‌کنیم. البته در مراسم افتتاح، اسمی از بانک برده نمی‌شود. در مقایسه با چنین حجمی از تسهیلات که پرداخت و پروژه‌های عظیمی که انجام می‌شود، چند مورد نیز پیدا می‌شود که بانک بنا به اشکالات اساسی در خود آنها، جواب منفی می‌دهد و اینها بلافاصله به مسئول بخش خاص اقتصادی به طور مثال بخش صنعت مراجعه می‌کنند که بانکها از آنها حمایت نمی‌کنند و متأسفانه به این باور تبدیل می‌شود و می‌بینیم که در روزنامه‌ها و جاهای مختلف هم مطرح می‌گردد.

در بانک صادرات در حال حاضر حدود ۱۷۷۵ پروژه در دست اقدام وجود دارد. اگر این تعداد پروژه را چهار برابر کنیم. حجم تقریبی پروژه‌های در شرف انجام در سیستم بانکی به دست می‌آید. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا پروژه‌ای در کشور وجود دارد که انجام شده باشد و یک بانک در کنار آن نباشد؟ من به دفاعهایی که آقایان وزراء هنگام اخذ رای اعتماد مجلس داشتند کنجکاو شدم و دیدم که در لیست عملکرد پروژه‌هایی که مطرح می‌کردند بدون استثناء از منابع سیستم بانکی استفاده شده است. سیستم بانکی با تمام توانش در صحنه هست. واقعاً توقع استاندارد و ایده‌آل از یک مجموعه چیست؟ اگر یک شاخص و توقع متناسب و مطلوب از سیستم بانکی کشور را

قبلاً مشخص کنیم، چنانچه زیر آن شاخص حرکت کند نتیجه می‌گیریم که کند حرکت کرده و عملکردش منفی بوده و راندمان نداشته است و اگر جلوتر از شاخص بود باید شاکر باشیم. اینطور نباشد که با چند مرتبه مراجعه بیایم بدون مطالعه و بی‌اساس مطالبی را مطرح کنیم که افکار را مشوش کند. واقعیت این است که خود آقایان که این بحثها را مطرح می‌کنند در سیاستگراریها حضور و نقش اساسی دارند. در ارتباط با این قضایا سلسله مراتب تصمیم‌گیری در کشور را داریم. مصوبات شورای پول و اعتبار در ارتباط با میزان رشد نقدینگی در هر سال و به تبع آن میزان تسهیلاتی که سیستم بانکی می‌تواند پرداخت کند و درصد اعطای تسهیلات بخشهای مختلف اقتصادی تماماً ملاک عمل بانکهاست. همه این مسائل در شورای پول و اعتبار با حضور نمایندگان آقایان وزراء مورد بررسی قرار می‌گیرد و به هیئت وزیران پیشنهاد و در جلسه هیئت وزیران با حضور خود آقایان تصویب می‌شود و به بانکها اعلام می‌کنند میزان تسهیلاتی که می‌توانند بپردازند چقدر و به چه نسبتهایی در بخشهای مختلف باشد. مثلاً ۳۶ درصد در بخش صنعت ۳۰ درصد در بخش مسکن و ساختمان... انتظاری که از ما باید داشته باشند باید در چارچوب این مصوبات باشد و سؤال از ما این باشد که آیا سیاست را اجرا کردیم و بیایند ببینند که عملکرد ما چگونه است؟ اطلاعات آماری مربوط به عملکرد ما را با سیاستی که تعیین شده منطبق کنند، به طور مثال در بخش صنعت که ما مجاز بودیم ۳۶ درصد عمل کنیم آیا به آن ۳۶ درصد رسیده‌ایم که در این صورت دیگر مشکلی بر ما نیست. اگر ۴۰ درصد بودیم باید از ما تشکر کنند، ضمن این که اگر ۴۰ درصد به بخش صنعت اختصاص دادیم یعنی به بخش دیگر تسهیلات کمتر دادیم و آن بخش حق اعتراض دارد. متتهی بخش صنعت دیگر نمی‌تواند اعتراض داشته باشد. زیرا ما از ۳۶ درصد مجاز نیز فراتر رفته‌ایم.

بحثی که مطرح هست، این است که سیستم بانکی در اعطای تسهیلات محدودیت دارد. این امکان‌پذیر نیست که همه تقاضاها جواب مثبت بگیرند. بالاخره به تعدادی از تقاضاها جواب منفی باید داده شود. ما باید از بین پروژه‌هایی که تقاضا می‌کنند بهترینها را انتخاب و تأمین مالی کنیم. به آنها که جواب منفی دارد و توجیه ندارد باید جواب منفی

بدهیم. اگر قرار شود به یکایک این جوابهای منفی توضیح بدهیم اصلاً منطقی نیست و نمی‌توان یک پروژه را به صورت مجرد ارزیابی کرد. ما مجبوریم آن را که توجیه قویتر دارد، انتخاب کنیم و به آنکه توجیه ضعیفتر دارد طبیعتاً نمی‌توانیم تسهیلات بدهیم. چنانچه مجدداً بررسی کنیم نتیجتاً می‌گوییم توجیه دارد ولی این توجیه، ضعیف است. لذا به عمق مطالب که می‌پردازیم می‌بینیم با آن چیزهایی که در بیانات و صحبتها و روزنامه‌ها درج می‌شود خیلی متفاوت است و واقعاً کم لطفی و بی‌مهری کردن به این همه نقشی است که سیستم بانکی در این دوره، مخصوصاً در رابطه با بازسازی اقتصادی کشور و ایجاد این همه پروژه‌های صنعتی و تولیدی در کشور داشته است و تقاضای من این است که اگر اشتباه می‌کنم این بزرگواران راهنمایی کنند و اگر منطقی و مناسب می‌دانند، این مطالب را به نحو مطلوب در مکان مناسب اشاره کنند. با وجودی که آقایان اینهمه در مراسم افتتاح پروژه‌ها شرکت می‌کنند ولی هیچ صحبتی از این قضایا نمی‌شود. مطلب بعدی در ارتباط با تناسب نداشتن سهمیه‌های تعیین شده در هر بخش با توان جذب آن بخش در ارتباط با نیازهای مالی و ریالی است.

از گذشته مقرر بود که بخش صنعت ۳۷ درصد، بخش کشاورزی ۲۰ درصد و بخش ساختمان و مسکن ۳۲ درصد از تسهیلات سیستم بانکی را دریافت کنند، حال مبنای این چگونه بوده است نمی‌دانم چیزی که از گذشته وجود داشته، در گذشته تعیین شده و در شرایط حاضر وضعیت کاملاً متفاوت است. بتغییراتی که در نرخ ارز به وجود آمده است و تأثیرپذیری که بخشهای مختلف اقتصادی از این مقوله دارند حتماً این نیازها تغییر کرده است. هیچ دلیلی ندارد که اگر بخش صنعت در گذشته ۳۷ درصد بوده در حال حاضر هم ۳۷ درصد باشد، یا بخش کشاورزی که ۲۰ درصد بوده اکنون نیز ۲۰ درصد باشد. باید ببینیم که تأثیرپذیری این بخشها از تفاوت نرخ ارز چه میزان است.

اگر بخش صنعت بیشترین تسهیلات را گرفته است، شاید حق دارد که سهم ۳۷ درصدی برای آن بخش کم است و باید ۴۶ درصد بشود. منتهی متأسفانه در آن جمعی که باید تصمیم گرفته می‌شد و نمایندگان بخشهای مختلف اقتصادی حضور دارند. هم نمایندگان بخش کشاورزی، هم بخش صنعت و هم بخش بازرگانی هیچکدام حاضر

نمی‌شوند درصد اختصاص یافته به آنها کمتر شود. خوب جمع آنها هم ۱۰۰ می‌شود در نتیجه در صدهای مربوط به سهم هر بخش تغییر نمی‌کند و از این بابت ما دچار مشکل می‌شویم، به نظر اینجانب سهم ۳۷ درصد برای بخش صنعت هم کافی نیست و فشار تقاضا در مقایسه با سایر بخشهای روی سیستم بانکی در این زمینه خیلی زیاد است و قاعدتاً بایستی سهم صنعت افزایش پیدا کند. منتهی مسئولان سایر بخشها اجازه نمی‌دهند و طبیعتاً به همین شکل تصویب می‌شود و در اجرا ما دچار مشکل هستیم. ما هم می‌خواهیم که مشکل حل شود.

بحث دیگری که مطرح است به تنوع نرخ در بخشهای مختلف اقتصادی برمی‌گردد. در روندی که در حال طی آن هستیم ان شاء... قرار است در ارتباط با سود تسهیلاتی که سیستم بانکی می‌دهد به نرخ واحد برسیم. در مقایسه با گذشته، در حال حاضر تفاوت نرخها در بخشهای مختلف خیلی کم و محدود شده است.

به دلیل آن که ما می‌خواهیم بانک، اقتصادی فکر کند در مقایسه با این کشش و تقاضای مردم در ارتباط با اخذ تسهیلات در آن بخشهایی که نرخ پایین‌تر دارند و گهگاه به صورت کاذب تقاضاهایی مطرح می‌شود، پیشنهاد من این است که به هیچ وجه نرخ تسهیلات در هیچ بخشی از نرخ سپرده‌های بانک کمتر نباشد. زیرا مشتری آن را پشتوانه قرار می‌دهد و تسهیلات از بانک می‌گیرد. به طور مثال در بخش کشاورزی که نرخ آن ۱۲ درصد است. خوب این چه منطقی دارد؟ حال ممکن است در بخش کشاورزی تسهیلات بگیرد و احتمالاً زمین کشاورزی هم دارد اما به مصرف کشاورزی نرساند و با آن تجارت کند. اعتقاد اینجانب این است که تفاوتها بایستی حتی الامکان کاهش پیدا کرده و به صفر برسد که خوشبختانه مسئولان اقتصادی کشور هم در این رابطه تلاش می‌کنند و تاکنون هم همانطور که عرض کردم این تفاوت نرخها خیلی کاهش پیدا کرده است و امیدواریم که به صفر برسد و نرخ واحدی برای بخشهای مختلف اقتصادی در سیستم بانکی داشته باشیم. این غلط است که به طور مثال فکر کنیم بخش کشاورزی همه فعالیتش باید متضمن نرخ ترجیحی یا سوبسید باشد. در بخش کشاورزی کارهایی است که سوددهی خیلی خوب دارد و باید نرخ معمولی داشته باشد. بعضی از امور مانند کشت

گندم ممکن است که نیازمند نرخ ترجیحی باشد. کشت گندم نیز ممکن است یک چنین خاصیتی داشته باشد ولی کشت مثلاً گی وی که می تواند سودآوری مناسبی داشته باشد به چه دلیلی سوبسید به آن داده شود و اگر به آن نتیجه برسیم که نهایتاً نرخ واحد در بخشهای مختلف اقتصادی حاکم شود می ماند یکسری فعالیتهایی که نیاز به حمایت دارند.

شاید به عنوان مسئول یک بانک تجاری بر من خورده بگیرند. منتهی این واقعیت به نظر می آید که رسالت بانکهای تخصصی هم باید معلوم شود لذا توصیه ام این است که آن تسهیلات دقیقاً از طریق بانکهای تخصصی پرداخت شوند. اگر یک صنعتی نیاز به حمایت خاص دارد کانال اجرا و تأمین آن حمایت بانک صنعت و معدن باشد. مکانیزم تبصره ۵۲ در حال حاضر روش مناسبی است که و این شیوه و مکانیزم می تواند در آینده ادامه پیدا کند و از آن طریق مشکل حل بشود.

مطلب آخر این که ما برای اجرای دقیق سیستم بانکداری بدون ربا با همه حساسیتهایی که نسبت به آن داریم آیا می توانیم بدون داشتن سازمانهای منسجم، منضبط و مناسب به این هدف دست پیدا کنیم؟ مسلماً نه در اداره بانکها باید ببینیم چه مشکلاتی وجود دارد و این مشکلات را برطرف کنیم. بیشترین چیزی که می خواهم اشاره بکنم نبودن اختیارات لازم برای اداره امور بانک در مدیریت هر بانک و پراکنده شدن این اختیارات در مراجع مختلف است. واقعاً باید بررسی شود که اختیارات مدیر یک سازمان مانند بانک با گستردگی ای که دارد و با سرعت عملی که باید داشته باشد و حساسیت تصمیماتی که باید بگیرد چه نوع اختیاراتی باید باشد؟ این اختیارات را به او بدهیم. اگر اعتماد به فرد موجود نداریم او را تعویض کنیم، اگر نه، به فرد معتمدی که منصوب کرده ایم اختیارات کامل بدهیم و اجازه دهیم که سازمانهای ما تحرکی پیدا کنند. یکی از مشکلاتی که باید به آن اشاره شود این است که مثلاً برخورد مدیریت بانک در ارتباط با تشویق و تنبیه کارکنان حساسترین مطلب است. در بانک برای تحرک و انگیزش کارکنان چه اختیاراتی جدا از آن اختیارات کلیشه ای وجود دارد؟ طبق آیین نامه، حقوق و ضوابط مشخص شده است. اما با استثناء شدن یک کارمند به عنوان یک نیروی

استثنایی، مدیر چه نوع برخوردی با او می‌تواند داشته باشد و چه اختیاری دارد؟ در مقابل، قانون رسیدگی به تخلفات اداری کاملاً بانکها را محدود کرده است و با کارمند متخلف سوءاستفاده کننده و بی‌انگیزش، هیچگونه برخوردی نمی‌توان کرد. ما وقتی در شعب، نارسایی کوچکی می‌بینیم و آن را به کل بانک تعمیم می‌دهیم و به مدیریت انتقاد می‌کنیم، با کدام اختیارات می‌توانیم با این مسایل به صورت جدی برخورد کنیم.

آخرین بحث در مورد مقوله‌هایی است که در کل بانک مشکل می‌آفریند. به کرات خودتان شنیدید که می‌گویند نرخ تسهیلات بانک با آن نرخ که بانک از مشتری می‌گیرد متفاوت است. اما هزینه‌های جنبی را در نظر نمی‌گیرند. اگر در بخش بازرگانی ۱۸ درصد تسهیلات در اختیارشان گذاشتیم می‌گویند ۲۴ درصد تمام شده و بانک ۲۴ درصد از ما می‌گیرد. چرا بانک می‌گیرد؟ مثلاً می‌بینیم یکی از این مقوله‌ها به هزینه‌های ترهین و وثیقه ملکی در دفترخانه برمی‌گردد. سال گذشته این را مطرح کردم که به دلیل عدم تناسبی که بین این هزینه‌ها وجود دارد تمبر سفته ۲ درصد است و هزینه تحریر ۵ درصد، آن وقت برای سیستم بانکی مطلوب‌ترین و مطمئن‌ترین وثیقه طبیعتاً وثیقه ملکی است و به دلیل نرخ بالای آن نمی‌شود کاری کرد. بنابراین مکاتبات مکرر انجام گرفت و نهایتاً تصویب شد که این ۵ درصد یک درصد باشد اما علی‌رغم آن در دفترخانه‌ها اصلاً این مصوبه را قبول ندارند. واقعاً معلوم نیست که چه کسی باید این قضیه را حل کند ما فکر کردیم با آن پیگیریهایی که کردیم به نتیجه رسیده‌ایم و این مشکل حل شده است. اما علی‌رغم ابلاغ به همه دفاتر اسناد رسمی آنها قبول نمی‌کنند و همواره این مشکل وجود دارد که امیدواریم ان‌شاء... حل شود.